



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۸/۱۱/۱۴



احسان الله ارینزی

## سنگی را که برداشته نمیتوانی،

### بوسیده و بر زمین بگذار!

راویان اخبار آورده اند که وقتیکه فرمانروای مقتدر دوران اتحاد جماهیر شوروی، جوزف استالین، در آستانه مرگ بود، به نیکویی میدانست و یقین داشت که خلف او، نیکتا خروشچف، روزی بصورت حتمی با مشکلات عدیده مواجه شده و حتماً به وصایای وی در مورد نحوه حکومتداری و راه های خروج از بن بست های احتمالی احتیاج پیدا خواهد نمود. میگویند که استالین در آخرین روز های زندگی، خروشچف را فرا خواند و به وی گفت که من وصایای خود را برای روز های آینده خودت، در سه نامه مختصر گنجانبده و هر یکی را در پاکتی گذاشته ام. اگر فرضاً روزی مشکلات مملکت جدی شد، پاکت اول را باز کن و به همین ترتیب تا آخر. شاید که وصایای من به درد خورده و از مشکلات عایده کاسته شود!

راویان اخبار نقل میکنند که هنوز یکسال از درگذشت استالین نه گذشته بود، که قحطی و قیمتی و بیکاری و تبعید و ده ها مشکل دگر، فغان مردم را به آسمان رسانید. از همینرو خروشچف پاکت اول را باز کرد و خواند که ستالین به او نوشته کرده که حالا که مشکلات تا اینجا رسیده، به تمام رسانه ها و سخنگویان و جارچی ها هدایت بده، تا با تمام قوت به بدگویی و مذمتحاکمیت قبلی و شخص ستالین پرداخته و مردم را تا مدتی مصروف نگهدارند! راویان اخبار نقل میکنند که این حربه موثر واقع شد، رسانه ها، سخنگویان، مبلغین و جارچی ها در مورد دکتاتوری جوزف ستالین و حاکمیت قبلی ظالمانه اتحاد جماهیر شوروی بسیار گفتند و نوشتند و تبلیغ کردند. حتی او را فاشیست و نوکر امپریالیسم و خون آشام نامیدند؛ اما در صحنه اجتماع آب از آب تکان نخورد، نه در دسترخوان مردم نان پیدا شد و نه بهبودی عمومی بمشاهده رسید. از همینرو خروشچف مجبور شد تا پاکت دوم را باز نماید.

استالین درین نامه به خلف خود نوشته بود، حالا که بدگویی از حاکمیت قبلی بجایی نه رسید، طلسم دوم بردن مردم به مدینه فاضله است! به وسایل اطلاعات جمعی، کمیته های حزبی، مبلغین و جارچی ها هدایت داده شود تا برای مردم باغ های سرخ و سبز نشان داده و آنها را با سرخ پری ها و سبز پری ها مصروف سازند!

راویان اخبار میگویند که رسانه ها، سخنگویان، مبلغین و جارچی ها فوراً دست بکار شده و هر روز چهار میزدند که اینک پروژه تاپی و کاسا 1000 عملی میشوند، کشور از طریق احداث شاهراه ها و خطوط آهن بمرکز ترانزیتی منطقه مبدل میشود، مخالفین مسلح عذر میکنند که بیایید صلح کنیم، کلب های تکواندو و کاراته برای زنان و دختران بکار آغاز میکنند، برای چند میلیون نفر کار فراهم میشود، در دسترخوان مردم نان بیشتر خواهد شد و گپ های دگری ارین قبیل که مانند حلوا دهان هر بیچاره ای را شیرین میساخت!

راویان اخبار نقل میکنند که سخنگویان و رسانه ها و جارچی ها درین مورد بحدی گفتند و تبلیغ نمودند که مردم دگر در گوش های خود پنبه میگذاشتند تا این سخنان بیهوده را نشنوند، زیرا از شنیدن بسیار خسته شده و منتظر کار عملی بودند!

بهر صورت بعد از مدتی دهل و سرنا و نشان دادن باغ های سبز و سرخ، باز فغان مردم بالا شد، زیرا این توده های فقیر و تهیدست مردم بودند که رنج میکشیدند، در حالیکه اربابان امور و خانواده های شان، ولو که کمونست و خواهان برابری و عدالت اجتماعی بودند، اما در قصور مجلل و آپارتمان های سرخ رنگ مناطق ویژه میزیستند، یخچال های شان پر از (کارتوشکه) و (کلباسه) بود و ودکا هم فراوان!

از همینرو خروشچف مجبور شد، تا باز دست بدامن ستالین زده و نامه سومی را باز نماید. ستالین در نامه سومی خطاب به خروشچف نوشته بود که حالا که دو (چال) گذشته یعنی فریب اذهان عامه از طریق بدگویی از حکومتات و زعمای قبلی و نشان دادن باغ های سرخ و سبز و سرخ پری ها و سبز پری ها موثر واقع نشده، راه حل سومی و اساسی این است که سنگی را که برداشته نمیتوانی برادری، ده ها بار ببوس و با احترام بر زمین بگذار!!

د پانو شمیره: له 1 تر 1

افغان جرمن آنلاين په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکي په خیر و لولی